۱۲۵

دیروز ۲حادثه بزرگ در حوالی مشهد رخ داد

نبرد سنگین آتش‌نشانان با آتش سهمگین

مهدی قرآنی| دیروز دو حادثه در دو نقطه در حوالی مشهد رخ داد. در یکی از این حوادث، یک انبار ضایعات دچار حادثه شد و در حادثه دیگر یک انبار تولید پرز که مملو از اجناس قابل‌اشتعال بود، دچار آتش‌سوزی سنگینی شد. خوشبختانه با ورود بموقع آتش‌نشانان مشهدی به این حوادث، هیچ فردی جانش را از دست نداد و کسی نیز مصدوم نشد. جزئیات این حوادث را در ادامه بخوانید.

آتش ضایعاتی خاموش شد

با اعلام حادثه آتش‌سوزی در یک انبار ضایعات در حوالی شهر، آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۱۰، ۲۸ و ۵۱ به محل اعزام شدند و عملیات مهار حریق را آغاز کردند. نیروهای عملیاتی با اجرای سریع و هماهنگ عملیات اطفای حریق، موفق شدند شعله‌های آتش را پیش از گسترش مهار کنند. در جریان این حادثه، ساختمان پشتی کانون آتش نیز در معرض سرایت آتش قرار گرفته بود. آتش‌نشانان با مشاهده سرایت آتش به این ساختمان، وارد عمل شدند و پیش از گسترده‌شدن آتش، آن را مهار و خاموش کردند. در این حادثه، با وجود شدت حرارت ناشی از آتش‌سوزی، فقط کرکره‌های پشت حفاظ یکی از ساختمان‌های مجاور دچار آسیب جزئی شد و خوشبختانه هیچ‌یک از ساختمان‌های اطراف دچار خسارت ناشی از سرایت آتش نشدند. نکته مهم در این حادثه، نبودن محبوس یا مصدوم در آن بود.

نبرد با آتش در جاده کلات

دیگرحادثه مهم دیروز مربوط به آتش‌سوزی در یک کارگاه بزرگ تولید پرز در جاده کلات بود. این حادثه ظهر دیروز اتفاق افتاد و بلافاصله با توجه به حجم زیاد آتش، از آتش‌نشانی مشهد درخواست کمک شد. این حادثه در کارگاه پرز روستای گرجی و سوله‌ای به وسعت حدودا هزار مترر خ داده بود. با توجه به شدت حریق، آتش‌نشانان هفت ایستگاه از مشهد به محل اعزام شدند و نبردی سنگین با آتش آغاز شد. با تلاش نیروهای امدادی، حریق مهار و از گسترش بیشتر آن جلوگیری شد. خوشبختانه این حادثه هیچ مصدوم یا محبوسی نداشت و علت وقوع آن در دست بررسی است. نداشتن سامانه اطفا و اعلام حریق، به‌ویژه در کارگاه‌های بزرگ، یکی از چالش‌های حوادث مشهد است؛ تا جایی که این کمبودها به افزایش شدت حادثه منجر می‌شود.

اهدای جان

اقدام بزرگ نوجوان ۱۴ساله در مشهد

سهیل دیبا| چهارده سال بیشتر نداشت. شور و حرارت نوجوانی او را به سمت حادثه‌ای شوم برده بود؛ تا جایی که پس از این حادثه، او را به بیمارستان سوانح شهیدکامیاب رسانده بودند. پسر نوجوان چند روزی در این بیمارستان بستری بود و تحت مراقبت‌های ویژه قرار داشت، تا اینکه متخصصان این مرکز درمانی متوجه شدند پسر نوجوان دچار مرگ مغزی شده است و دیگر به زندگی بازنمی‌گردد. هرچند سخت و دردناک بود، اما پزشکان چاره‌ای نداشتند و موضوع را با خانواده زنده‌یاد «محمدعباس صفایی» درمیان گذاشتند و پس از فروکش‌کردن موج اولیه سوگواری، به آن‌ها پیشنهاد اهدای عضو پیش از مرگ قطعی و حتمی پسرشان را دادند. پدرومادر وقتی فهمیدند که دیگر هیچ امیدی به بازگشت محمدعباس به زندگی نیست، برای آرامش او در دیار باقی، با اهدای عضو موافقت کردند. در ادامه، این بیمار از بیمارستان امدادی شهیدکامیاب به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه مشهد منتقل شد و در بیمارستان منتصریه تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت. در این جراحی اهدای عضو، کلیه‌های این جان‌بخش توسط تیم پیوند کلیه بیمارستان منتصریه به یک زن نوزده‌ساله ساکن قوچان و پسر هجده‌ساله ساکن مشهد اهدا و با موفقیت پیوند شد. همچنین کبد این نوجوان در همین مرکز به زنی چهل‌وپنج‌ساله ساکن مشهد که از نارسایی کبدی رنج می‌برد، پیوند شد. در ادامه نیز قرنیه‌های این زنده‌یاد برای انجام پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد ارسال شد و بخشی از پوست او نیز برای کمک به بیماران بستری در بخش سوختگی بیمارستان امام‌رضا(ع) مشهد اختصاص یافت تا با این اقدام، امید به زندگی در دل بیماران نیازمند دوباره زنده شود.

اقدام بموقع مادر برای کمک به پسرش، آن‌ها را از سقوط به سیاه‌چاله جرم بازداشت

جلوگیری پلیس از تولد یک سارق

سعید جلائیان

گزارش

حوالی ساعت ۲۲، زوج جوان از مهمانی به خانه برگشتند. آن‌ها پس از ورود متوجه جای خالی پسرشان در خانه شدند. زن جوان به اتاقش که رفت، متوجه به‌هم‌ریختن وسایل کمدلباسش شد؛ همان کمدی که در آن کیف حاوی چندمیلیون تومان پول نقد را پنهان کرده بود. زن کیف را باز کرد و دید هیچ پولی در آن نیست. او بدون اینکه حرفی به شوهرش بزند، منتظر ماند تا پسر نوجوانش به خانه بازگردد. یک ساعت بعد، سرانجام پس از بازگشت پسر به خانه، زن جوان به اتاق پسر رفت و ماجرای دزدیده‌شدن پول‌ها را با او در میان گذاشت.

زن جوان انتظار داشت پسرش درباره پول‌ها تعجب کند یا ابراز بی‌اطلاعی کند، اما برخلاف دفعات قبل که پسرش از والدینش پول دزدیده بود، او نه‌تنها منکر نشد، بلکه در کمال وقاحت گفت که برای خرید موتورسیکلت پول لازم داشته و آن را برداشته است. مادر که نمی‌خواست نیمه‌شب دعوای دیگری در خانه راه بیندازد، باز هم چیزی به شوهرش نگفت. صبح زن جوان به محل کارش در یکی از آموزشگاه‌های خصوصی رفت و ماجرا را برای یکی از همکارانش تعریف کرد. همکار این زن به او توصیه کرد ماجرا را جدی بگیرد و تا پیش از اینکه پسرش به اتهام دزدی دستگیر نشده است، کاری بکند یا او را به مشاوره ببرد. زن می‌دانست پسرش به حرف مشاور گوش نمی‌کند، اما همکارش به او پیشنهاد کرد از دایره مددکاری و مشاوره پلیس کمک بگیرد. با این پیشنهاد، زن جوان پس از پایان کارش به کلانتری سجاد رفت و با تشریح بخشی از اختلافاتی که با پسرش داشته است، از مأموران کمک خواست. دغدغه این زن جوان برای کمک به پسرش، سبب شد سرهنگ ابراهیم خواجه‌پور، رئیس کلانتری سجاد، با صدور دستوراتی تخصصی از رئیس دایره مددکاری و مشاوره این مرکز پلیس بخواهد که به این زن کمک کند.

زن جوان که پیش از این برای حضور در کلانتری سجاد تردید داشت، پس از ورود به دایره مددکاری و مشاوره کلانتری، امیدوار به تغییر شد. او مقابل سروان وحیدی، رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری، گفت: من کارمند یک مرکز آموزشی خصوصی هستم و شوهرم شغل آزاد دارد. نتیجه ازدواج ما پسری شانزده‌ساله است که خار چشم من و پدرش شده است. با اینکه من و شوهرم هردو تحصیلات تکمیلی داریم، پسرم به‌واسطه دوستان نابابی که پیدا کرده، از پایه دهم ترک تحصیل کرده است. او بارها از من و پدرش پول دزدیده و با ما درگیر شده است. قبلا که ما با او دعوا می‌کردیم، ساکت می‌ماند یا آرام جواب می‌داد، اما از یک‌سال پیش، اگر من یا پدرش چیزی به او بگوییم، این پسرم است که سر ما داد می‌زند و دعوا راه می‌اندازد. هرچه تلاش کردیم تا تحصیلش را ادامه دهد، سودی نداشت.

زن ادامه داد: پسرم می‌گوید باید برایش موتورسیکلت بخریم. او بارها حتی من را تهدید کرده است که اگر برایش موتور نخریم، ما را رها می‌کند و می‌رود. بارها شده که از کیف من و پدرش پول برداشته است. آخرین بار که به او گفتم چرا پول برداشتی، دعوا راه انداخت و با پررویی گفت که پول را برمی‌گرداند. پس از ثبت اظهارات این زن، او پرسید که باید چه کند. وقتی به او گفته شد که دفعه بعد با محمدجواد (پسرش) به کلانتری بیاید، زن گفت که او نمی‌آید و امکان آوردنش نیست. اما روز بعد زن همراه پسرش وارد کلانتری سجاد شد. مادر به محض ورود به دایره مددکاری و مشاوره گفت: «وقتی موضوع را به پسرم گفتم، در کمال تعجب استقبال کرد، چون می‌خواست کلانتری را ببیند.» پسر جوان در این جلسه حتی سی ثانیه ساکن نماند و مدام از این صندلی به آن صندلی می‌پرید.

والدینم بی‌عرضه هستند!

جابه‌جایی این پسر جوان در بین صندلی‌ها، حتی پس از شروع جلسه نیز ادامه داشت. او درحالی‌که بین صندلی‌ها جابه‌جا می‌شد، در حضور مادرش گفت: راستش را بخواهید، والدین من بی‌عرضه هستند. آن‌ها حتی نمی‌توانند تنهافرزندشان را تأمین مالی کنند. من فقط از آن‌ها یک موتورسیکلت خواستم، اما همان را هم نتوانستند بخرند. همه دوستان من موتورسیکلت دارند. حتی برخی چندبار موتور خود را فروخته‌اند و موتور بهتری خریده‌اند، اما من مدام حسرت آن‌ها را می‌خورم.

محمدجواد بدون ملاحظه ادامه داد: اشکالی ندارد، الان خودم از طریق ارز دیجیتال درآمد دارم.

مادر حرف او را قطع کرد و گفت: چندین‌بار او از من و پدرش پول گرفته است و مبالغ هنگفتی را در همین ارز دیجیتال که می‌گوید، از بین برده است.

حرف مادر به مذاق پسرش خوش نیامد. او در رد اظهارات مادرش گفت: الان فصل خریداست. به همین دلیل تا توانستم ارز خریدم. وقتی رشد کند، حتما می‌توانم پول موردنیاز یک خودرو را از ارز دیجیتال دربیاورم.

بی‌ملاحظگی پسر در حضور مادرش، سبب شد که از مادر خواسته شود دقایقی بیرون از اتاق منتظر بماند. پس از رفتن این زن، جلسه به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. محمدجواد به محض رفتن مادرش، با لحنی نامناسب گفت: خوب کاری کردید که مادرم را بیرون کردید. باور کنید من هم نمی‌توانم آن‌ها را تحمل کنم. الان به‌زور با آن‌ها زندگی می‌کنم. اگر بازار برگردد، بی‌شک یک خانه هم رهن می‌کنم و راحت زندگی می‌کنم.

خرید موتورسیکلت با دزدیدن موبایل!

گفت‌وگوی محمدجواد و رئیس دایره مددکاری و مشاوره یک‌ساعت پشت درهای بسته ادامه داشت، درحالی‌که پسر نوجوان دیگر جرئت بدگویی از خانواده‌اش را نداشت و روی یک صندلی آرام گرفته بود. سروان وحیدی برای او سرنوشت نوجوانان و جوانانی را تعریف کرد که پیش از این مسیر او را طی کرده بودند. محمدجواد که با شنیدن داستان زندگی این پسران نوجوان، فقط گوش می‌کرد، یک‌باره گفت: یکی از دوستانم به من پیشنهاد داد برای خرید موتورسیکلت موبایل‌قاپی کنیم.

پسر نوجوان طی یک هفته دوبار دیگر همراه مادرش به کلانتری سجاد مراجعه کرد. در آخرین جلسه، مادر ابتدا به‌تنهایی وارد اتاق شد. او در بدو ورود به این اتاق از تغییر شدید پسرش گفت: محمدجواد آن‌قدر تغییر کرده که باورش برای ما سخت است.

با اضافه‌شدن پسر به جمع آن‌ها، این جلسه درباره بازگشت او به تحصیل صحبت کردند. محمدجواد قول داد که تحصیل را ادامه دهد و به مدرسه برگردد. در ازای این تغییرات، مادرش هم قول داد که برای او پس از اخذ دیپلم و دریافت گواهی‌نامه، موتورسیکلت بخرد. پس از این جلسه، پسر نوجوان برای سال تحصیلی جدید در مدرسه ثبت‌نام کرد، اما قرار شد ماهی یک جلسه برای مشاوره به کلانتری سجاد برود.

عکس تزئینی است

افزایش غرق‌شدگی‌ها زنگ خطر را به صدا درآورده است

شاید غریق بعدی شما باشید!

هشدار روز

شهرآرا| تابستان فصل سرخوشی و تفریح است؛ فصلی که تعطیلی مدارس و گرمی هوا موجب می‌شود افراد بیشتری به مسافرت یا نقاط خوش‌آب‌وهوا بروند. اما در کنار تفریح که برای کیفیت زندگی لازم است، گاهی خطرات و حوادثی نیز افراد را تهدید می‌کند و به‌اصطلاح خوشی را از دماغ آن‌ها بیرون می‌آورد. یکی از این حوادث شایع در فصل گرم، غرق‌شدگی است؛ موضوعی که سال گذشته جان ۸۸۸نفر را در سراسر کشور گرفت که ۳۶نفر از این غرق‌شدگان ساکن خراسان‌رضوی بوده‌اند. باوجود افزایش غرق‌شدگی‌ها در تابستان، جالب است بدانید سال گذشته در خراسان‌رضوی و مشهد، هیچ ماهی نبوده است که یک حادثه غرق‌شدگی رخ ندهد؛ موضوعی که آمار پزشکی قانونی خراسان‌رضوی آن را نشان می‌دهد و شهریورماه باشش کشته، بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است.

به گواه آمار پزشکی قانونی کشور، پارسال ۸۸۸نفر شامل ۷۴۸مرد و ۱۴۰زن بر اثر غرق‌شدگی در نقاط مختلف کشور جان باختند. در این میان استان خوزستان با ۱۲۳فوتی (۱۰۰مرد و ۲۳زن) بیشترین آمار غرق‌شدگی را به خود اختصاص داده و پس از آن استان‌های فارس با ۶۸نفر و بوشهر با ۴۰نفر قرار دارند. همچنین کمترین آمار مربوط به استان خراسان جنوبی با ۳فوتی بوده است.

بررسی آمار استان‌هایی که بالاترین میزان غرق‌شدگی را دارند، نشان می‌دهد که وجود دریا به‌تنهایی عامل افزایش غرق‌شدگی‌ها نیست، زیرا استانی مثل فارس نه دریا دارد و نه دریاچه، ولی دومین استان پرقربانی در این حوزه است. متأسفانه پس از دریا، رودخانه‌ها، سدها، استخرها و دیگرمنابع آبی، به‌ویژه استخرهای ذخیره آب کشاورزی، نقش گسترده‌ای در غرق‌شدن افراد دارند.

یکی از باورهای نادرست درباره غرق‌شدگی، بحث عمق آب است. برخلاف تصور رایج، عمق زیاد تنهاعامل خطر نیست. گل‌آلودبودن کف استخرها، لیزبودن لبه‌ها، وجود خزه‌های لغزنده و همچنین شوک حرارتی ناشی از ورود ناگهانی به آب سرد، حتی در آب‌هایی با عمق کم نیز می‌تواند حادثه‌آفرین و مرگ‌بار باشد.

همچنین در برخی مناطق، استخرهای ذخیره آب کشاورزی به‌اشتباه جایگزین استخرهای استاندارد شنا شده‌اند و خانواده‌ها و نوجوانان، به‌دلیل نبود فضاهای تفریحی مناسب، به سمت این منابع پرخطر می‌روند. این درحالی است که استخرهای کشاورزی فقط برای ذخیره و نگهداری آب طراحی شده‌اند، نه برای شنا یا بازی.

همچنین سخنگوی سازمان اورژانس کشور، در گفت‌وگو با ایسنا درباره مأموریت‌های مرتبط با غرق‌شدگی گفت: در این حوادث، همواره احتمال آسیب به گردن و ستون فقرات، اسپاسم حنجره، کاهش ضربان قلب و دیگرعوارض جدی وجود دارد. بنابراین هرگونه امدادرسانی باید با دقت و بر اساس اصول علمی انجام شود. توصیه ما این است که فقط افرادی که مهارت کافی در شنا یا آموزش‌های غریق‌نجات را گذرانده‌اند برای نجات فرد غریق وارد آب شوند و دیگرافراد از به‌خطرانداختن جانشان خودداری کنند.

مجتبی لشکری افزود: پس از خارج‌کردن مصدوم از آب، اگر فرد هوشیار و دارای تنفس طبیعی بود، او را به پهلوی چپ بخوابانید، بدنش را گرم نگه دارید و در سریع‌ترین زمان ممکن به مرکز درمانی منتقل کنید. در صورت بیهوشی و قطع تنفس نیز ضمن گرم‌نگه‌داشتن مصدوم، عملیات احیای قلبی-ریوی (CPR) را آغاز کنید و هم‌زمان با اورژانس ۱۱۵ تماس بگیرید.

وی تأکید کرد: از تلاش برای تخلیه آب از ریه‌های فرد غریق خودداری کنید. این اقدام نه‌تنها کمکی به مصدوم نمی‌کند، بلکه موجب ازدست‌رفتن زمان طلایی احیا می‌شود. اولویت اصلی، حفظ راه هوایی، آغاز سریع احیای قلبی-ریوی و انتقال فوری مصدوم به مرکز درمانی است.
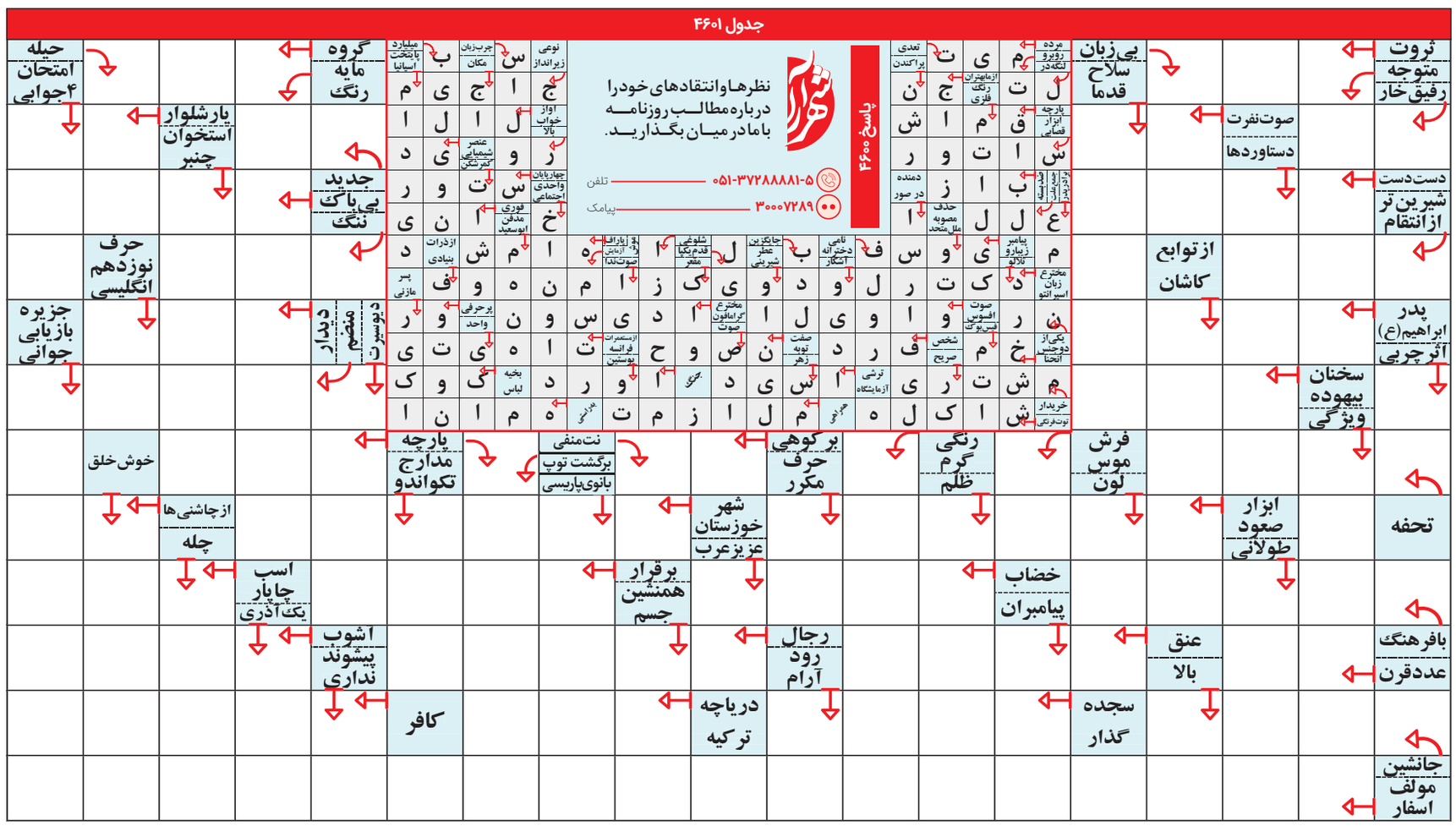
جدول ۴۶۰۱